

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ



أنا طَبَاخَةٌ، سَأَطْبُخُ طَعَاماً لَدِيداً.

من آشپز هستم. غذای خوشمزه ای می خواهم بپزم

المُعْجَم

غُيُونٌ غَايَةٌ : پایان غَايَةُ الْعَقْلِ : نهایت عقل فَحْصٌ : معاینه کرد فَحَصَ : معاینه کردن قَاطِعٌ : بُرْنده كُرَّةُ الْقَدَمِ : فوتبال «كُرَّةٌ + قَدَمٌ» : پا مَرْفُوسٌ : بیماران «مفرد: مَرِيضٌ» مُسْتَقْبَلٌ : آینده مَمْرُضٌ : پرستار مَوْطَفٌ : کارمند نَوَافِدٌ : پنجره‌ها «مفرد: نَافِذَةٌ» مِهْنَةٌ : شغل «جمع: مِهَنٌ» مُهَنْدِسٌ زِرَاعِيٌّ : مهندس کشاورزی	رَسَائِلٌ : نامه‌ها «مفرد: رِسَالَةٌ» رِيَاضَةٌ : ورزش سَهٌ : سَوْفَه : نشانه آینده سَأَمِيرٌ : خواهم شد شَرَحٌ : شرح داد شُرْطِيٌّ : پلیس صَارَ : شد سَوَفَ أَمِيرٌ : خواهم شد طَبِّبُ الْعُيُونِ : چشم پزشکی طَبَّاحٌ : آشپز طَبَّخٌ : پخت طَبَّخٌ : پختن، آشپزی عَلِيًّا بِاحْتِرَامٍ : باید احترام بگذاریم عَرَى : دریاچه، از عَلَيْهَا : دریاچه‌اش عَيْنٌ : چشم، چشمه «جمع:	أَخْرَ : دیگر أَحِبُّ : دوست داشتم أَحِبُّ : دوست دارم أُحِبُّ : دوست داری أَصْحَابُ الْمِهْنِ : صاحبان شغل‌ها أَفْنٌ : امتیاز بَيْعٌ : فروش بِلَادٌ : کشور، شهرها «مفرد: بَلَدٌ» تَقَدَّمَ : پیشرفت خَدَّادٌ : آهنگر خُلُواتِيٌّ : شیرینی فروش خَامِسٌ : خامس، پنجم السَّاعَةُ الْعَامِسَةُ : ساعت پنج خَبَّازٌ : نانوا خُبْزٌ : نان زُرٌّ : برنج
--	---	---

۱- معلم داخل کلاس شد و گفت:

۲- درس امروز پیرامون شغل آینده است.

۳- پس پرسید کدام شغل را دوست داری؟

۴- صادق: من کشاورزی را دوست دارم.

۵- برای اینکه همانا آن کار مهمی برای پیشرفت کشورها است.

۶- مهندس کشاورزی خواهم شد.

مِهْنَتُكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ شغلی تو در آینده

۱ دَخَلَ الْمُدْرِسُ الصَّفَّ وَقَالَ: «دَرَسْتُ الْيَوْمَ حَوْلَ مِهْنَةِ الْمُسْتَقْبَلِ. فَسَأَلَ أَيَّ مِهْنَةٍ تُحِبُّ؟»

۲ ۳ ۴ ۵ ۶ صادق: أَنَا أُحِبُّ الزَّرَاعَةَ. لِأَنَّهَا عَمَلٌ مُهِمٌّ لِنَتَقَدَّمَ الْبِلَادِ. سَوَفَ أَمِيرٌ مُهَنْدِسًا زِرَاعِيًّا.



۷- ناصر: من کتاب **فروشی** را دوست دارم.

۸- برای اینکه همانا کتابها گنج ها هستند.

۹- و پیامبر اکرم(ص) درباره آن فرموده اند: « کتابها باغهای دانشمندان هستند.»

۷ ناصر: اَنَا أُحِبُّ بَيْعَ الْكُتُبِ؛ لِأَنَّ الْكُتُبَ كُنُوزٌ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْهَا: «الْكُتُبُ

بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ»



۱۰ قاسم: سَأَصِيرُ مُخْتَرِعًا وَسَوْفَ أَصْنَعُ جَوَازًا جَدِيدًا.



۱۱ منصور: اَنَا أُحِبُّ الرِّيَاضَةَ. اَنَا لَاعِبٌ مُمْتَازٌ فِي كُرَةِ الْقَدَمِ.



۱۲ امین: اَنَا أُحِبُّ طِبَّ الْعَيْنِ. سَوْفَ أَصِيرُ طَبِيبًا لِخِدْمَةِ النَّاسِ.



منور: من **ورزش** را دوست دارم. من بازیکن ممتازی در **فوتبال** هستم.

امین: من **چشم پزشکی** را دوست دارم. برای خدمت به مردم دکتر خواهم شد.

۱۳- دانش آموزان صاحبان شغل‌هایی مانند معلم و نانوا و پلیس و شیرینی فروش و فروشنده و پرستار و آهنگر و غیره را یادکردند.

۱۴- معلم: هدف‌تان از انتخاب شغل چیست؟

۱۵- عارف: خدمت به مردم. زیرا هر یک از ما به دیگری نیاز داریم.

۱۶- معلم: کدام شغل مهم است؟

۱۷- حامد: هر شغلی مهم هستند. و کشورها به همه شغلها نیاز دارند.

۱۸- معلم: باید به همه شغلها احترام بگذاریم.

۳ الطَّلَابُ ذَكَرُوا أَصْحَابَ الْمِهْنِ كَالْمُدْرِسِ وَالْحَبَّازِ وَالشُّرْطِيِّ وَالْحَلْوَانِيَّ وَالْبَائِعِ وَالْمُعْرِضِ وَالْحَدَّادِ وَغَيْرِهِمْ.

۴ الْمُدْرِسُ: مَا هُوَ هَدَفُكُمْ مِنَ الْبِخَابِ الشُّغْلِ؟

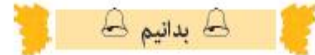
۵ عَارِفٌ: خِدْمَةُ النَّاسِ. لِأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنَّا يَحْتَاجُ إِلَى الْآخَرِينَ.

۶ الْمُدْرِسُ: أَيُّ شُغْلٍ مُهِمٌّ؟

۷ حَامِدٌ: كُلُّ مِهْنَةٍ مُهِمَّةٌ وَالْبِلَادُ بِحَاجَةِ إِلَى كُلِّ الْمِهْنِ.

۸ الْمُدْرِسُ: عَلَيْنَا بِاحْتِرَامِ كُلِّ الْمِهْنِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ».



بدانیم

دانستیم که فعل مضارع نشانگر زمان حال و آینده است؛ اکنون بدانیم که با افزودن «س» یا «سَوْفَ» بر سر آن فقط بر آینده دلالت می‌کند و در ترجمه آن از فعل «خواهد...»

استفاده می‌شود؛ مثال:



أَكْتُبُ: می‌نویسم. سَأَكْتُبُ، سَوْفَ أَكْتُبُ: خواهم نوشت.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:  
بهترین مردم سودمندترین آنها  
برای مردم است.



کلمه با توجه به الگوی خوانده شده ترجمه کنید.

أَنَا سَأَعْمَلُ مِنْ كَارِخَوَاهِمُ كَرْدَ أَنْتِ سَوْفَ تَفْحَصِينَ الْمَرِيضَةَ: تومریض رامعاینه خواهی کرد

أَنْتِ سَوْفَ تَفْرَحُ: تو خوشحال خواهی شد.

الفعل المضارع (افعل)، (تفعل)، (تفعلین)



أَنَا خَبَّارٌ أَطْبِخُ الْخُبْزَ مِنَ السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ صَبَاحًا. أَنَا مُدْرِسَةٌ الْكِيمِيَاءِ. أَشْرَحُ الدَّرْسَ لِلطَّالِبَاتِ.

من نانوا هستم از ساعت ۵ صبح نان می پزم من معلم شیمی هستم. درس را برای دانش آموزها شرح می دهم.



أَنْتِ شَرِطِي. تَحْفَظُ الْأَمْنَ فِي الْبِلَادِ. أَنْتِ طَبِيبَةٌ. تَفْحَصِينَ الْمَرِيضَ بِدِقَّةٍ.

تو پلیس هستی. امنیت رادرشهرها حفظ می کنی. تو دکتر هستی. بیماران را به دقت معاینه می کنی.

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

● با توجه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱- پیامبر پیرامون کتاب چه فرمودند؟  
 ۱. ماذا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ حَوْلَ الْكُتُبِ؟ «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُم لِلنَّاسِ.»

۲- هدف از انتخاب شغل چیست؟  
 ۲. مَا هُوَ الْهَدَفُ مِنْ اتِّخَابِ الشُّغْلِ؟ خِدْمَةُ النَّاسِ.

۳- درس امروز پیرامون کدام موضوع بود؟  
 ۳. حَوْلَ أَيِّ مَوْضُوعٍ كَانَ دَرْسُ الْيَوْمِ؟ مِهْنَةُ الْمُسْتَقْبَلِ.

۴- در آینده چه کاره خواهی شد؟  
 ۴. مَاذَا سَتَصِيرُ فِي الْمُسْتَقْبَلِ؟ الْمُدْرِسُ.

۵- به نظر تو کدام شغل مهم است؟  
 ۵. أَيُّ شُغْلِ مُهِمٌّ بِرَأْيِكَ؟ كُلُّ مِهْنَةٍ مُهِمَّةٍ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أَنَا نَجَّارٌ. سَأَصْنَعُ دُسْنًا خَسَنًا.



أَنَا طَبَّاخَةٌ. سَأَطْبِخُ طَعَامًا لَذِيذًا.

من نجار هستم. صندلی چوبی خواهم ساخت

من آشپز هستم. غذای خوشمزه ای می خواهم بپزم



أَنْتِ فَلَاحَةٌ مُجِدَّةٌ، تَحْصِدِينَ الرَّزَّ.



أَنْتِ طَبِيبٌ مُجِدٌّ، تَفْحَصُ الْمَرْضَى.

توکشاووز کوشایی هستی برنج رادرومی کنی.

تو دکتر کوشایی هستی مریضها را معاینه می کنی

### التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. أَنْتِ حَدَّادٌ، تَصْنَعُ الْأَبْوَابَ وَ النُّوَافِذَ.

۱- تو آهنگر هستی درها و پنجره ها را می سازی.

۲. أَنْتِ مَوْظِفَةٌ، تَكْتُبِينَ رَسَائِلَ إِدَارِيَّةً.

۲- تو کارمند هستی نامه اداری می نویسی.

۳. أَنَا جُنْدِيٌّ، أَرْفَعُ عَلَمَ وَطَنِي إِيرَانَ.

۳- من سرباز هستم پرچم وطنم ایران را بالا می برم.

۴. أَنَا مُمَرِّضَةٌ، أَخْدِمُ النَّاسَ.

۴- من پرستار هستم به مردم خدمت می کنم.

## التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

• زير هر تصوير نام آن را به عربی بنويسيد.

حَدَاد / نَجَّار / مُمَرِّضَةٌ / كَاتِبٌ / حَلَوَانِيٌّ / خَبَّازٌ / شُرْطِيٌّ / خَيَّاطَةٌ / طَبِيبَةٌ / طَبَّاحَةٌ /  
فَلَّاحَةٌ / مُدْرَسَةٌ



مُمرِّضَةٌ



فَلَّاحَةٌ



حَدَاد



شُرْطِيٌّ



خَبَّازٌ



مُدْرَسَةٌ



كَاتِبٌ



خَيَّاطَةٌ



خَيَّاطَةٌ





طَبَاخَةٌ

نَجَّارٌ

حُلْوَانِيٌّ

### التُّمْرَيْنِ الْخَامِسِ

● گفت و گو با زبان قرآن در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید. «پاسخ کوتاه کافی است».

فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ

أَنَا أِيرَانِيٌّ

نعم

ثَلَاثَةُ كِتَابًا

فِي الْجَنُوبِ

۱. فِي أَيِّ صَفِّ أَنْتَ (أَنْتِ)؟

۲. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ (أَنْتِ)؟

۳. أَتَعْرِفُ (تَعْرِفِينَ) اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟

۴. كَمْ كِتَابًا فِي حَقِيبَتِكَ (حَقِيبَتِكَ)؟

۵. أَيْنَ الْخَلِيجُ الْفَارِسِيُّ؟

● با استفاده از کلمات زیر جدول را کامل کنید و رمز را به دست آورید.

خَلْوَانِي / مُمَرِّضَات / رِيَاضَةٌ / آخِر / عَالَمِينَ / مِهْنَةٌ / بَيْع / دَوْرَان / حَدَاد / نِهَائِيَّة / قَاطِع /  
مَرَضِي / خَامِس / كُرَةُ الْقَدَم / مَوْظَفَةٌ / كُنُوز / شُرْطِي / عَمُود / طِبُّ الْعُيُون / وَحْدَكَ / بِالْيَتِي /  
بِلَاد / سَوِّف

۱۳. پنجم	۱. دیگر
۱۴. فوتبال	۲. جهانیان
۱۵. گنج‌ها	۳. آهنگر
۱۶. خانم کارمند	۴. پایان
۱۷. پلیس	۵. خانم‌های پرستار
۱۸. نشانه آینده	۶. ورزش
۱۹. ستون	۷. شیرینی فروش
۲۰. چشم پزشکی	۸. بیماران
۲۱. کشور، شهرها	۹. بُرنده
۲۲. ای کاش من	۱۰. شغل
۲۳. تو به تنهایی	۱۱. فروش
	۱۲. چرخیدن

رمز: « **الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ** »

الإمام علي عليه السلام

حل

٢	ع	١	أ	م	ر	ن
	٢	ح	د	ا	د	ة
٥	م	م	ر	ظ	ا	ة
٦	ح	س	و	ا	ن	ي
	٩	ق	ا	ل	م	ي
١٠	م	ه	ن	ة		
	١١	ب	و	ر	ا	ن
	١٢	ا	م	ق		
١٤	ر	ة	س	ن	د	م
			ك	ن	و	ة
١٦	ر	١٦	و	ل	ف	
	١٧	ش	ي			
	١٨	س	و	ق		
٢٠	ط	ب	م	و	د	ن
			س	ي		
٢٢	و	ي	س	ا	د	ي
٢٣	ح	ا	ي	ن	ن	

ساختار درس دوم و سوم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما موفق می‌شویم.	درس ۴ و ۵	من موفق می‌شوم.	أنا أَنْجُحُ.
شما موفق می‌شوید.	درس ۶ و ۷	تو موفق می‌شوی.	أنتِ تَنْجِحُ.
آنها موفق می‌شوند.	درس ۸ و ۹	او موفق می‌شود.	أنتِ تَنْجِحِينَ.
			درس ۴ و ۵

كُنْزُ الْحِكْمَةِ مِنَ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ.

**انسان به عقلش است.**

۲. الْعَقْلُ حَسَامٌ قَاطِعٌ.

**عقل شمشیر برده است.**

۳. الْعَقْلُ حِفْظُ التُّجَارِبِ.

**عقل حفظ تجربه هاست.**

۴. تَمَرَّةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ.

**میوه عقل مدارا کردن با مردم است.**

۵. غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ.

**پایان عقل اعتراف به نادانی است.**

تحقیق کنید و نام چند شغل یا ورزش را به عربی با تصویر در قالب روزنامه دیواری بنویسید.